

عرفان در مکتب ابن سینا

محمد صادق کاملان*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱

DOI: 10.22096/ek.2020.112223.1164

چکیده

بحث از نکته‌های عرفانی در نوشته‌های ابن سینا، این پرسش را پیش روی پژوهشگران نهاده است که آیا می‌توان او را یک نظریه‌پرداز در گستره عرفان تلقی کرد یا این مباحث او را باید به صورتی دیگر، تفسیر نمود. آیا ابن سینا فقط فیلسوف مشائی است یا به اصطلاح خودش فیلسوف مشرقی؟ آیا می‌توان او را عارفی با جهان‌بینی عرفانی دانست؟ در این نوشتار نخست، دیدگاه مخالفان و موافقان عرفان شیخ‌الرئیس را بررسی می‌کنیم. آنگاه دیدگاه ابن سینا را درباره گرایش به مشائیان، نوافلاطونیان یا عرفان در سخنانش جست‌وجو می‌کنیم. سپس با بررسی آثار فلسفی و عرفانی او گرایشش را به سلوک عقلی محض، عرفانی، هم عقلی و هم عرفانی، یا تفکیک دوران زندگی علمی او به دو دوره گرایش فلسفی مشائی و گرایش باطنی می‌سنجیم. در نهایت می‌کشیم، نشان دهیم ابن سینا افزون بر اینکه مشائی و اهل برهان است به عرفان و سلوک باطنی نیز عالم بوده، حتا از آن بهره‌مند است.

واژگان کلیدی: ابن سینا؛ عرفان؛ روش سلوکی؛ فلسفه مشاء.